

**پایگاه‌های لوله**



چرا برخی فیلم‌ها فقط در جشنواره اکران می‌شوند

## ممیزی‌ها سلیقه‌ای است

آن طور که دوستان مسوول گفته‌اند ظاهراً یک تفاوت‌هایی قائل شده‌اند بین سیاست‌های نمایش فیلم در جشنواره و سیاست‌هایی که برای نمایش عمومی اعمال می‌کنند. مبنای این تغییرات را در این سال‌ها من در نیافتم البته دغدغه اصلاح‌ام نبوده است، چراکه هیچ متر و معیار و شاخصی را در این زمینه ندیده‌ام. آنچه در این فرصت می‌گویم بر پایه آن چیزی است که خودشان اعلام کردند. شاید بخشی از این تفاوت‌ها این بر گردد که مایلند جشنواره رونق داشته باشد یا حداقل با نمایش فیلم‌ها در جشنواره می‌خواهند بازخورد‌ها را بگیرند. فیلم‌ها برای نمایش عمومی با ممیزی شدیدی را رقیق‌تر به نمایش درآیند یا اصلاً اکران نشوند. به هر حال این رویه مبنا و منطقی ندارد و از روزگار انوار و بهشتی وجود داشته و در طول این سال‌ها هم ادامه پیدا کرده است. این یک سیاست جاری در دوران‌های گوناگون بوده و به صورت یک قانون نانوشته درآمده است. در طول این سال‌ها به نظر می‌رسد مسوولان درباره نظرات خود و بیان دیدگاه‌شان شجاعت کافی را نداشته‌اند، درباره برخی آثار گاهی می‌توانستند به روشنی و آشکارا بگویند تا با شجاعت و صراحت از فیلم دفاع کنند و با حک و اصلاح یا شجاعت و صراحت بگویند آری. این نوع کنش‌ها باعث سوءتفاهم شده است. اما غیر از سوءتفاهم فراموش نکنیم که یک واقعیت در زندگی ما (و البته همه انسان‌های عاقل) حضور جدی دارد و آن بحث ممیزی است که در تمام لایه‌های فردی و اجتماعی زندگی ما جریان دارد. ما در جزئی‌ترین رفتارهای خود قائل به ممیزی هستیم. اصل ممیزی به هیچ وجه پدیده ناپسندی نیست چرا که برای درست دیدن خود و برای اصلاح ناراستی و تقویت و استحکام درستی‌هاست. آنچه نادرست است حاکم کردن پسند شخصی در امور عمومی و ملی و کنار گذاشتن خرد و دایایی و نیز تبدیل نکردن فرهنگ اصلاح به یک جریان اجتماعی و در بستری از گفت‌وگو و اقناع جمعی است. به نظرم دولتمردان می‌توانند با رفتار عقلانی نوع سیاست‌ها و کنش‌ها را سامان دهند و به گونه‌ای صریح رفتار کنند. فکر می‌کنم دلیلی که باعث شده مدیران فرهنگی مان‌توانند این اقدام‌ها را با شجاعت اعلام کنند این باشد که بخشی از ممیزی‌های انجام‌شده منطقی نیست. سلاویک و گرایش‌های فردی و حتی جناحی به شدت در این میان موثر است و این سبب سخت شدن کار می‌شود. این وضعیت ممیزی بر خلاقیت تاثیر می‌گذارد و حتی بر سلوک و رفتار شخصی هنرمند نیز موثر است. در میان ما ایرانی‌ها یک بیماری مهلک و قدیمی هم جریان دارد که خاصی مسوولان هم نیست و آن تعارفات شهروشفترانه است. (اذعان می‌کنم به دلیل فقدان روحیه تحمل برای شنیدن دیدگاه‌های مخالف با به شدت و ضعف در میان همه ما وجود دارد، حق داریم گاهی هم محافظه‌کار باشیم). فقدان روحیه لازم برای بیان مکتوبات ذهنی‌مان از یک طرف و از طرف دیگر فقدان یک قانون مشخص- که به گونه‌ای تنظیم و مدون شده و مبین برآیند عقل و اندیشه خانواده سینما و مدیریت فرهنگی و هنری باشد- به شدت به فضای سینما و فیلم‌ها آسیب زده است. یادمان باشد وقتی قانون نباشد خواه ناخواه پسندهای شخصی میداندار می‌شوند. و همیشه و در همه جا اعمال پسندهای شخصی در حوزه زندگی جمعی، بر فرآیندهای پیش‌برنده و تعالی‌بخش، تأثیری ناپذیرکننده خواهد داشت. نکته آخری که شاید بد نباشد اشاره کنم این است که مدیران محترم دولتی در مواقعی که می‌خواهند بر فیلمی که در جشنواره فجر جایزه گرفته مهر عدم نمایش بزنند، خوب است با داورانی که منتخب خودشان بوده و آن فیلم را شایسته دریافت جایزه دانسته‌اند، مشورت کنند و دلایل آنها را بشنوند و سپس هر تصمیمی که خواستند بگیرند. این کار احترام گذاشتن به گروهی است که عالی‌ترین و مهم‌ترین کار جشنواره را بر عهده داشته‌اند. این موضوع را به این دلیل عرض کردم که در سال ۸۴ که بنده به اتفاق سید مهدی شجاعی، مجید مجیدی، احمدرضا درویش، رسول صدراعظمی، پرویز پورحسینی و فرهاد صبا داوران جشنواره فجر بودیم، به فیلم «عصر جمعه» ساخته مونا زندی سیمرغ بلورین دادیم ولی این فیلم به محاق رفت و از هیچ کدام از داوران جشنواره درباره این فیلم و دلایل‌مان برای اعطای جایزه آن پرسش نشد.

**«داور جشنواره فیلم فجر در سال‌های ۸۴ و ۸۶**

»



## جشنواره به سبک ایرانی

پس از انقلاب اسلامی جشنواره ملی فیلم فجر' نخستین جشنواره‌ای بود که با رویکرد گرمیدانست سارلور قیام شکوهمند مردم ایران با ایزر هنر- صنعت سینما توسط دولت یا به عرصه گذشت.این هدف امروز همچنان باقی است تا جایی که می‌توان به جرات گفت بار اصلی سرور و شادمانی پیروزی انقلاب مردم ایران را همچنان پس از سال‌ها جشنواره فیلم فجر بر دوش دارد به همین خاستگاه اولیه می‌تواند پاسخگوی پرسش‌هایی باشد که ما را در مقام مقایسه با دیگر جشنواره‌هایی که با همین عنوان در سایر جوامع بر گزار می‌شود، رهنمون سازد.اینکه چرا هیات انتخاب با دآوری در اعلام می‌شود یا چرا ترکیب آنها این گونه است و این گونه نیست؟ اینکه چرا برای مجوز اکران یک اثر سینمایی باید حتما در جشنواره حضور داشت؟ یا چرا توسط مسوولان برگزارای اعلان می‌شود که اکران سال آینده برای آثار حاضر در جشنواره مناسب‌تر خواهد بود؟ یا اینکه چرا ممیزی‌های اداره کل نظارت در آثار حاضر جشنواره اعمال می‌شود؟ چرا کاتالوگ جشنواره و برنامه آن دیر هنگام توزیع می‌شود؟ و اینکه چرا این تعداد زیاد از نمایش برای فیلم‌های حاضر در جشنواره ترتیب داده می‌شود؟ چرا جشنواره فاقد محلی دائمی برای برگزاری و ستادی ثابت و بودجه‌ای مشخص و در اختیار است؟ چرا بیش از نیمی از بلیت‌های جشنواره به رایگان توزیع می‌شود، حال آنکه عده‌ای تاکنون از تهیه بلیت با پرداخت وجه هستند؟ و ده‌ها پرسش دیگر اینچنینی را که در مقام مقایسه با سایر جشنواره‌های سینمایی حاصل می‌شود، می‌توان بر این فهرست پیش گفته افزود. نمی‌توان از هیچ جشنواره‌ای انتظار داشت که بر اساس سلیقه مخاطبان شکل بگیرد (چه رسد به جشنواره فیلم فجر که علاوه بر آنکه همه هزینه‌های آن را دولت می‌پردازد، بر گزار کنندگانش نیز همه مجری سیاست‌های دولت هستند)، بلکه این بر گزار کنندگانش هستند که جشنواره را با انتخاب آثار و ترکیب هیات دآوری و سازماندهی جشنواره شکل می‌دهند و البته هر چه انگیزه بر گزار کنندگان ادواری آن سویه هنری و توان سازماندهی بیشتری داشته باشد طبیعتاً ما شاهد بر گزارای جشنواره‌ای به شیوه متعارف جهانی آن خواهیم بود. برای مثال از زمان مرحوم سیف‌الله داد اجبار حضور در جشنواره برای نمایش عمومی آثار سینمایی لغو شد. یا در زمان محسن حسینی بزرگک تعداد جوایز سیمرغ اعلاش یافت و به فیلم‌های پذیرفته‌شده مشوق‌هایی چون تسهیلات کپی رایگان تعلق گرفت.اما در همه این دوران‌ها حضور در جشنواره به معنای مجوز اکران نبود، چراکه هیات بازبینی آثار سینمایی برای صدور پروانه نمایش با هیات انتخاب جشنواره در نگاه و ماموریت تعارض داشت چراکه در زمان جشنواره آنچه برای بر گزار کنندگان ادواری جشنواره اولویت داشت (و دارد) رونق جشنواره و سفرهای بی‌پایه‌ای به کشورهای دیگر بود. این نکته که کوشیده شد برای رفع این مشکل، هیات انتخاب جشنواره را از میان هیات صدور پروانه نمایش برگزینند تا شاید نمایش و حضور در جشنواره، بعدتر مجوزی برای نمایش عمومی آن باشد باز هم نگاه رونق‌بخشی به جشنواره مانع از آن نشد که بعدتر نمایش عمومی فیلم‌ها مجدداً دچار اصلاح و تغییر نشود. نگارنده خود در خاطر دارد که روزی از جشنواره که بیش از نیمی از هیات انتخاب از میان هیات صدور پروانه نمایش بودند و تذکرات اصلاحی هیات صدور پروانه نمایش (که آن زمان عضو هیات انتخاب جشنواره هم بودند) توسط معاون مدیر کل نظارت و ارزشیابی در دفتر جشنواره به فیلمسازان به طور شفاهی ابلاغ می‌شد، باز هم دو فیلم پس از اصلاحات اولیه و نمایش در جشنواره ناچار برای اکران عمومی به بیچی دومی تن سپردند (و البته بودند فیلمسازانی که به قیمت قبول حذف از بخش سلیقه و جشنواره پایمردی کردند و دوره تغییر فیلیشان بعدها به نمایش درآمده) از آن سو هم هم‌روزه در ایام جشنواره به مطالبی در رسانه‌ها برمی‌خوریم که فیلمسازی که در جشنواره حضور ندارد، جشنواره را از رونق افتاده می‌داند یا برعکس از هنرمند دیگری که فیلمش در جشنواره حضور دارد می‌خواهیم که جشنواره فیلم فجر سال تحویل سینمای ایران است یا بهترین محل معرفی آثار سینمایی است یا در انتهای دآوری جشنواره (پس از قبول شرایط و ارسال فیلم) سبیل اعتراضات به هیات داوران گسیل می‌شود که اصلع نبوده‌اند و عدالت را رعایت نکرده‌اند. و برعکس دیگر فیلمسازانی که در دآوری مشارکت کرده‌اند این دوره را نقطه عطف و شاخص مهمی در ارزیابی سینما تلقی می‌کنند. همه اینها بیانگر این است که جشنواره ما هم به شیوه و سبک خودمان کاملاً ایرانی است.

**پی‌نوشت:**

۱- جشنواره فیلم فجر کاملاً ملی است. حضور نامحسوس و کنترل‌شده مهمانان خارجی، نبود امکان و حضور دیگر علاقه‌مندان جهانی سینما دست کم از میان همسایگان‌مان برای حضور در جشنواره بیانگر این واقعیت است که جشنواره فیلم فجر یک رویداد تماماً ملی است، گرچه حتی زمانی که کوشش و توفیقی متفاوت و جدی برای دعوت از سینمای جهانی به ویژه آسیایی در جشنواره بیست و چهارم حاصل شد و به تعداد ۲۸ فیلم بلند سینمایی در بخش مسابقه با قبول دعوت (و نه خرید) آثارشان را به جشنواره ارائه کرده بودند و یک کاتالوگ عمومی هم برای اطلاع‌رسانی و توزیع بین مردم تولید و منتشر شد، ضرب اشغال صندلی‌های سینماهای نمایش‌دهنده فیلم‌های بخش مسابقه بین‌الملل از ۱۲ درصد فراتر نرفت. در همان دوره ضرب اشغال صندلی‌های سینمای ایران ۵۱ درصد بود. **«مدیر دفتر جشنواره فیلم فجر در دوره‌های بیست و سوم و بیست و چهارم**

## ۱۵ سینمای ایران

سنتوری برنده سیمرغ بهترین بازیگر مرد و تماشاگران



## ۱۱۶۴ ■ شماره ۲۸ دی ۱۳۸۹

مارمولک برنده سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران



## مروری بر فیلم‌های برگزیده در جشنواره و مغضوب مسوولان

# سیمرغ‌های تحقیر شده

**«سگ کشی»** در دوران مرحوم سیف‌الله داد و «وقتی

همه خواهیم». فیلم‌های او دیگر دچار مشکل نشدند اما خودش دیگر به راحتی نمی‌توانست فیلم بسازد.

**■ فیلمسازان چه کردند**

هر سال نزدیک جشنواره که می‌شود بودن یا نبودن فیلم‌ها موضوع بحث و گفت‌وگو است. گاهی یک نکته گریبان فیلم‌ها را می‌گیرد. در یکی از دوره‌ها مساله ماهواره باعث می‌شود تعداد زیادی از فیلم‌ها دچار مشکل شوند مانند اتفاقی که در سال ۸۷ افتاد: فیلم «دایره زنگی» پریسا بخت‌آور که به دلیل پرداختن به این موضوع به عنوان یک مساله محوری دچار مشکل شد، یا حتی «به همین سادگی» ساخته «رضا میرکریمی» به خاطر وجود ماهواره در پشت‌بام حنچه‌های را از دست داد. نمونه این اتفاقات زیاد است. گاهی نیز مسوولان با رویکردی متفاوت به نمایش فیلم‌ها اقدام می‌کنند. آنان آثار را در جشنواره نشان می‌دهند و بعد برای اکران عمومی آن را دچار مشکل می‌کنند. نمونه این فیلم‌ها زیاد است؛ «افسانید» ساخته مطرح «جعفر پناهی» که به مساله فوتبال و حضور دختران می‌پرداخت. این فیلم همزمان در جشنواره برلین می‌شرکت کرده بود و هرچند تنها یک نمایش در جشنواره فیلم فجر سال ۸۴ شرکت کرد اما دیگر نتوانست روی پرده را ببیند. «جعفر پناهی» که با فیلم‌های کودکان خود را در جهان شناسانده بود مسیرش را با فیلم‌هایی که از سوی مدیران سینمایی «سیاه‌انما» لقب می‌گرفتند، ادامه داد. جایزه‌های جهانی او سبب نمی‌شد تا با سینمای ایران قهر کند و به گفته خودش «برای هر جمع ۲۰ نفری هم می‌خواست فیلم‌هایش را نشان دهد». اگر مرحوم «علی حاتمى» در کمال صبرى ۱۶ سال منتظر ماند که «حاجی‌واشتنگن» اکران شود، به صبورانه به ساخت فیلم‌هایی درباره تاریخ مشغول شد، فیلمسازان دیگر هم سعی کردند به همین روند ادامه دهند. «مسعود کیمیایی» از همان اوایل این اتفاق‌ها

**اشتیاق**

هنگامی که سیستم سینمای ایران تغییر کرد و دیگر جشنواره تنها راه اکران فیلم‌ها نبود دست‌اندرکاران سینما آن شور و شوق را اندکی از دست دادند اما مردم به عنوان مخاطبان اصلی فیلم‌ها همچنان سراغ جشنواره می‌آمدند. صف‌های طولانی‌ای جلوی سینماها تشکیل و بسیاری از خاطره‌ها در این صف‌ها و سینماها مرور می‌شد. ساخته‌های کارگردانانی که نسل انقلاب بودند در جشنواره به نمایش درمی‌آمد. تضارب آرا همان‌جا شکل می‌گرفت. حاتمى کیا با «وصل نیکان» به جواب دادن در برابر «عروسی خوان» می‌رفت و «شب‌های زاینده‌رود» و «وبت عاشقی» تنها در جشنواره اکران می‌شوند.

**■ اولین جشنواره، اولین توقیف‌ها**

سال ۶۱اولین دوره جشنواره فیلم فجر بر گزار شد. شرکت‌کنندگان در آن جزء بزرگان سینمای ایران هستند: علی حاتمى (حاجی‌واشتگن)، بهرام بیضایی (مرگ یزدگرد) و مسعود کیمیایی (سفر سنگ). این فیلم‌ها در بهمن سال ۶۱ به نمایش درآمدند و غیر از حاجی‌واشتنگن که پس از ۱۶ سال و در دوران اصلاحات به نمایش درآمد دیگر فیلم‌ها نتوانستند رنگ پرده نقره‌ای را ببینند. این آغاز دوره جدید فیلمسازی در سینمای ایران بود. فیلمسازانی در راه بودند؛ فیلمسازانی که هم آثار کلیشه‌ای می‌ساختند و هم فیلم‌هایشان از دریافت پروانه ساخت تا حمایت و تولید و اکران با پشتوانه دولت ساخته می‌شدند. در برای این ترتیب فیلم‌هایی که در این هزارتوی سینمای ایران تولید می‌شدند مسیرشان به طور مستقیم می‌شد، هر چند استثنائیهی هم وجود دارد. در این سال‌ها فیلمسازانی به جمع فیلمسازان گذشته پیوسته و برخی دیگر جزء برگزیده‌ها قرار گرفته‌اند.

**■ فیلمسازان مطرح محروم از جشنواره**

«عباس کیارستمی» در دوره‌های گوناگون با استقبال فراوان بر گزار کنندگان جشنواره روبه‌رو شد. کیارستمی در دوره‌های گوناگون با فیلم‌های کوتاه و بلند همچون «همسرایان» و «خانه دوست کجاست» پرچمدار نوعی سینما شد. آثار کیارستمی در جهان اعتباری برای سینمای ایران به همراه آورد و نام ایران را مطرح کرد. اما این روی خوش‌اندام پیدا نکرد. همراه با تغییر مسیر فیلمسازی کیارستمی روی خوش جشنواره نیز از او برگشت. فیلم‌های «باد ما را با خود می‌برد» و «ده» دچار مشکل شدند. اما در سال ۸۴ به دعوت مسوولان جشنواره نخستین به همراه نمایش فیلم‌های کوتاهش «راه‌ها» و «فرش» داشت. ولی به برخی از فیلمسازان نیز چندان روی خوشی نشان داده نشد. بهرام بیضایی در طول این سال‌ها فیلم‌های دیگری ساخت و باز هم در جشنواره شرکت کرد؛ «شاید وقتی دیگر» در آن روزهای که هنوز فیلم ساختن برایش کاری دشوار نبود و

برایش رخ داد. «خط قرمز» فیلمی از اوست که در اولین جشنواره سال ۶۱ نمایش داده شد. داستان آن درباره یک مامور ساواک و یک مرد مبارز است. آکوبی برای سینما برگزیده شد. فیلم «گاؤ» در رژیم گذشته با بودجه فرهنگ و هنر ساخته شده بود و در آن دوران توقیف شد اما پس از انقلاب به نمایش عمومی درآمد آن هم در دو نوبت در سینماها اکران شده، نسخه کامل‌تری از آن نشان داده شد. با این وجود نوع پردازش و نگاه «مهرجویی» در فیلم «سنتوری» مورد مواخذه قرار گرفت. این فیلم برای نمایش در جشنواره سال ۸۵ با واکنش‌های گوناگونی روبه‌رو شد. مدیران جشنواره بارها پاسخ گفتند و در نهایت نیز با نمایش برای مردم و منتقدان نتوانست مورد استقبال قرار گیرد. دریافت سیمرغ بلورین برای بهترین نقش اول مرد «بهرام رادان» (رمانعی بودن که در عین حال اعتراض این بازیگر را هم به دلیل داشت. او هنگام دریافت سیمرغ گفت: «از داوران می‌خواهم در خلوت خود یک بار دیگر این فیلم را ببینند.» سیمرغ بلورین انتخاب مردمی نیز سیمرغ دیگر این فیلم بود. اما دریافت مجوز اکران کار مشکلی بود که گریبان این کارگردان و سازندگان فیلم را گرفت. در نیمه تابستان تبلیغات برای این فیلم در سینماها به چشم می‌خورد اما یک کلمه نه و دستور وزیر ارشاد وقت – صفارهندی- جلو

این فیلم را در سوم مرداد ۸۷ گرفت. منتظر زمان مناسب شدن طوفان کارگردان و تهیه‌کننده آن «فرار فرازمند» شد. ناگهان نسخه اصلی و بدون سانسور فیلم در میان آثار گوشه خیابان دیده شد. این عدم توجه ادامه داشت، به طوری که حتی در دولت دهم نیز خبر رسیده بود که می‌توان فیلم را نشان داد و حتی مجوز هم داده شد. در نهایت نیز سازندگان فیلم به نمایش خانگی آن قناعت کردند اما «فرازمند» تهیه‌کننده فیلم دیگر زنده نبود تا واکنش‌ها به این فیلم را ببیند. «خانه‌ای روی آب» فیلم مظلوم تاریخ سینمای ایران شد؛ فیلمی که با

● **علیرضا سجادیور در گفت‌وگو با «شرق»:**

## هیچ فیلم توقیف‌شده‌ای نداریم

دریافت مجوز سریع‌تر طی شود، مجوز به صورت موقت به فیلم‌ها داده می‌شود. در زمان جشنواره هم فرصتی نیست و روال این گونه است که فیلم‌ها را برای صدور نمایش موقتاً می‌بینیم و سریع پروانه نمایش موقت به آنها داده می‌شود.

– **چرا اغلب این اتفاق می‌افتد که فیلمی در جشنواره نشان داده می‌شود و بعداً نمی‌تواند فقط منتظر زمان مناسب هستند.**

برای ارائه مجوز باید سطح مخاطبان را در نظر گرفت. حتماً نمایش فیلم در جمع دانشجویان یا در یک محفل دانشگاهی و تخصصی با نمایش فیلم به عنوان فیلمی از نمایش خانگی قرار دارد. حتماً سطح و نحوه اعطای مجوز برای فیلمی در جشنواره که محل حضور دست‌اندرکاران سینمایی است فرق دارد. سطح ممیزی برای صدور پروانه نمایش فرق دارد. ممکن است فیلمی در جشنواره به نمایش درآید و ما مختصر ملاحظاتی برای اکران نیز بتواند نشان داده شود، ولی اینکه فیلمی توقیف شود تا به امروز برای جشنواره امسال نداشتیم. سال پیش هم فیلم «پاداش» را که مناسب نبود نه برای جشنواره نشان دادیم، نه برای اکران.

– **چند فیلم مطرح است، مثلاً خیابان‌های آرام.** نه، این فیلم را هیات انتخاب دیده است و من قطعاً تفاوتی در سطح ممیزی آن نسبت به اکران عمومی می‌بینم. چون سطح نمایش فرق دارد، نگاه بررسی هم فرق دارد.

– **پس می‌توانیم امیدوار باشیم هر فیلمی که در جشنواره امسال حضور دارد بعداً اکران می‌شود.** این فیلم‌ها هیچون «آتشکار» و «صد سال به این سال‌ها» هنوز اکران نشده‌اند. ما با این فیلم‌ها مشکلی نداشتیم و دیدید که در جشنواره هم به نمایش درآمدند. برای اکران آنها هم پیش‌بینی شده که در فرصت مناسب بتوانند اکران شوند. شرایط مناسب هنوز پیش نیامده است. – **هر بار مسوولان نکته‌ای را درباره سطح ممیزی فیلم‌ها در جشنواره می‌گویند. مثلاً**



● **سنتوری، افساید، عصر جمعه، به رنگ ارغوان، صد سال به این سال‌ها، زادبوم، آتشکار، خط قرمز، بانو و حاجی‌واشتگن** از فیلم‌هایی هستند که سفری طولانی را از حضور در جشنواره تا اکران در سینماها طی کرده‌اند. تعدادی از آنها هرگز به پایان این سفر نرسیده‌اند و در پیچ مهلک کبی غیرمجاز به درون دره سقوط کرده‌اند. برخی با جرات‌های زیاد روی پرده نقره‌ای تن خسته خود را به نمایش گذاشته‌اند. برخی از فیلم‌ها هنوز نتوانسته‌اند به اکران عمومی درآیند و مردم روی پرده نقره‌ای به تماشایشان بنشینند. این تفاوت سیاست‌ها بین اکران در جشنواره و اکران عمومی همیشه و در طول این ۲۹ دوره رایج بوده است.

تفاوت عقاید و نگاه روبه‌رو شد. مهرجویی، کارگردانی که فیلم «گاؤ» وی توسط امام خمینی(ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی سینما و پسندیده شده بود، به عنوان آکوبی برای سینما برگزیده شد. فیلم «گاؤ» در رژیم گذشته با بودجه فرهنگ و هنر ساخته شده بود و در آن دوران توقیف شد اما پس از انقلاب به نمایش عمومی درآمد آن هم در دو نوبت در سینماها اکران شده، نسخه کامل‌تری از آن نشان داده شد. با این وجود نوع پردازش و نگاه «مهرجویی» در فیلم «سنتوری» مورد مواخذه قرار گرفت. این فیلم برای نمایش در جشنواره سال ۸۵ با واکنش‌های گوناگونی روبه‌رو شد. مدیران جشنواره بارها پاسخ گفتند و در نهایت نیز با نمایش برای مردم و منتقدان نتوانست مورد استقبال قرار گیرد. دریافت سیمرغ بلورین برای بهترین نقش اول مرد «بهرام رادان» (رمانعی بودن که در عین حال اعتراض این بازیگر را هم به دلیل داشت. او هنگام دریافت سیمرغ گفت: «از داوران می‌خواهم در خلوت خود یک بار دیگر این فیلم را ببینند.» سیمرغ بلورین انتخاب مردمی نیز سیمرغ دیگر این فیلم بود. اما دریافت مجوز اکران کار مشکلی بود که گریبان این کارگردان و سازندگان فیلم را گرفت. در نیمه تابستان تبلیغات برای این فیلم در سینماها به چشم می‌خورد اما یک کلمه نه و دستور وزیر ارشاد وقت – صفارهندی- جلو

این فیلم را در سوم مرداد ۸۷ گرفت. منتظر زمان مناسب شدن طوفان کارگردان و تهیه‌کننده آن «فرار فرازمند» شد. ناگهان نسخه اصلی و بدون سانسور فیلم در میان آثار گوشه خیابان دیده شد. این عدم توجه ادامه داشت، به طوری که حتی در دولت دهم نیز خبر رسیده بود که می‌توان فیلم را نشان داد و حتی مجوز هم داده شد. در نهایت نیز سازندگان فیلم به نمایش خانگی آن قناعت کردند اما «فرازمند» تهیه‌کننده فیلم دیگر زنده نبود تا واکنش‌ها به این فیلم را ببیند. «خانه‌ای روی آب»

## واکنش پنجم



**وقتی می‌گویند مردم با خانواده‌شان می‌آیند**
**وقتی دیگری می‌گویند که فقط خانواده سینما در این جشنواره شرکت می‌کنند. بالاخره کدام یک از اینها سطح جشنواره است؟**

جشنواره نوروز و بهار سینمای ایران است. سر سال سینمای ایران است. مهمانی بزرگ سینماگران و متعلق به سینماگران ماست. من قطعاً تفاوتی در سطح ممیزی آن نسبت به اکران عمومی می‌بینم. چون سطح نمایش فرق دارد، نگاه بررسی هم فرق دارد.

– **پس می‌توانیم امیدوار باشیم هر فیلمی که در جشنواره امسال حضور دارد بعداً اکران می‌شود.** این فیلم‌ها هیچون «آتشکار» و «صد سال به این سال‌ها» هنوز اکران نشده‌اند. ما با این فیلم‌ها مشکلی نداشتیم و دیدید که در جشنواره هم به نمایش درآمدند. برای اکران آنها هم پیش‌بینی شده که در فرصت مناسب بتوانند اکران شوند. شرایط مناسب هنوز پیش نیامده است. – **هر بار مسوولان نکته‌ای را درباره سطح ممیزی فیلم‌ها در جشنواره می‌گویند. مثلاً**

هزار و یک دلیل دیگر ممکن است داشته باشد؛ در بخش مسابقه نباشد، فیلم آماده نباشد و نرسد. – **و در نهایت می‌توان این نکته را گفت که برگزیدگان هر جشنواره سیاست‌های سینمای آن سال و فیلم‌های مورد قبول مسوولان را مطرح می‌کنند؟** در مورد جشنواره‌های گذشته که باید از خودشان پرسید، در مورد جشنواره سال قبل هم که هیچ کدام از آثار تولیدات ما نبودند و به ما از تباطی پیدا نمی‌کرد. فیلم‌هایی که برگزیده می‌شوند از نگاه داوران هستند و آنها به فیلم‌ها و آثار توجه کرده‌اند. می‌توان این گونه گفت که برخی از آثار با سیاست‌ها منطبق هستند. در نهایت برای پاسخ به این سوال زود است.

## شرق



خانه‌ای روی آب

